



بررسی پیامدهای رقابت عربستان سعودی و ترکیه در بحران سوریه بر موقعیت منطقه‌ای ایران

سیف اله آذربون^۱، مریم مرادی^۲، محسن دیانت^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

چکیده:

از آغاز بحران سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک این کشور رویکردهای متنوعی اتخاذ کرده‌اند. در این میدان، رقابت میان ترکیه و عربستان که هر دو در مقاطعی از سقوط بشار اسد حمایت می‌کردند، به سرعت به شکلی از تقابل راهبردی تبدیل شد که پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم مهمی برای منافع و امنیت ملی ایران داشت. ایران، که بقای رژیم اسد و تداوم خطوط لجستیک‌اش به لبنان و حزب‌الله را بخشی از «عمق استراتژیک» خود می‌داند، در برابر موج حمایت‌های ترکیه و سعودی از گروه‌های مختلف سیاسی - ایدئولوژیک مخالف، سیاستی مبتنی بر تثبیت حضور نظامی، دیپلوماسی منطقه‌ای و تقویت شبکه‌های نیابتی دنبال کرد. تقابل آنکارا و ریاض در سوریه نه تنها به تفرق و رقابت میان اپوزیسیون انجامید، بلکه موقعیت ژئوپولیتیک ایران را از منظر دسترسی لجستیک، نفوذ در سوماتی منطقه‌ای و هزینه سیاسی - اقتصادی برای تهران تحت فشار قرار داد؛ در نتیجه تهران ناگزیر به بازتعریف ابزارهای خود (نظامی، سیاسی و نرم) برای حفظ جایگاه راهبردی‌اش در محور مقاومت شد. تحلیل حاضر با تمرکز بر پیامدهای سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک این رقابت، نشان می‌دهد که تقابل عربستان و ترکیه کارکردی دوگانه برای ایران داشته است: از یک سو تهدیدی برای پیوستگی جبهه‌های نفوذ و از سوی دیگر فرصت‌هایی برای مانور دیپلماتیک و موازنه‌سازی منطقه‌ای

واژگان اصلی: ترکیه، عربستان سعودی، سوریه، نو عثمان گرایی، سلفیسم وهابی

^۱: گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

^۲: گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران (نویسنده مسئول) Maryam.moradi@iauqeshm.ac.ir

^۳: گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

امروزه با پایان جنگ سرد، بازیگران منطقه‌ای استقلال عمل بیشتری برای مداخله و رقابت مستقیم در مناطق ژئواستراتژیک یافتند. در این میان، سوریه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود به یکی از مهم‌ترین میدان‌های رقابت قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شد. با آغاز اعتراضات داخلی در سوریه (۲۰۱۱)، این رقابت آشکار و به اوج خود رسید. هرچند بحران سوریه ریشه‌هایی در نارضایتی‌های داخلی داشت، اما نقش بازیگران منطقه‌ای در تشدید و تداوم آن نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد. در این چارچوب، قدرت‌های منطقه‌ای در دو قطب اصلی، یعنی جریان «مقاومت» به رهبری ایران و جریان «سازش» متشکل از عربستان سعودی، ترکیه و متحدان غربی آن‌ها، در برابر یکدیگر صف‌آرایی کردند.

نظریه‌ی هژمونی بهترین چارچوب برای تحلیل این وضعیت به شمار می‌رود. الگوی هژمونیک بر این فرض استوار است که قدرت مسلط برای تثبیت نظم مطلوب خود، از ابزارهای نظامی، اقتصادی و فرهنگی برای مهار رقبا و تضعیف بازیگران مخالف استفاده می‌کند. به تبع این منطق، عربستان و ترکیه در پی کسب برتری هژمونیک در خاورمیانه، به‌ویژه از مسیر بحران سوریه، بوده‌اند؛ برتری‌ای که مستلزم مهار نفوذ ایران در محور مقاومت و محدودسازی نفوذ ژئوپلیتیکی تهران در شامات است. از سوی دیگر، ایران نیز در برابر این تلاش‌ها، با تکیه بر شبکه‌ی متحدان منطقه‌ای و سرمایه‌ی ایدئولوژیک خود، به تثبیت موقعیت هژمونیک در قالب محور مقاومت پرداخت. بنابراین، رقابت عربستان و ترکیه نه تنها چهره‌ی بحران سوریه را تغییر داد، بلکه به‌طور مستقیم بر معادلات امنیتی و راهبردی ایران در منطقه تأثیر گذاشت. این تقابل، صحنه‌ای از کشمکش چندلایه‌ی هژمونیک در خاورمیانه را ترسیم می‌کند که در آن ایران، ترکیه و عربستان هر یک در پی بازتعریف نظم منطقه‌ای مطلوب خود هستند.

اهمیت سوریه در معادلات بین المللی

سوریه از جمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست، موجب شکل گیری نوعی رقابت بین المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی این کشور شده است. سوریه قسمتی از سرزمین بزرگ شام است که با کشورهای لبنان، قبرس، فلسطین اشغالی، اردن، عراق و ترکیه هم مرز است. این کشور سال ها با دولت بعث عراق دارای رقابت ایدئولوژیک و سیاسی در منطقه بوده است؛ با ترکیه بر سر موضوع کردها و همچنین عوامل جغرافیایی مناقشه داشته و از جمهوری اسلامی ایران در جنگ هشت ساله علیه عراق حمایت نموده است. مهمترین عارضه ژئوپلیتیک این کشور نیز این است که در جوار مرزهای فلسطین اشغالی، یعنی قلب خاورمیانه و کانون معادلات چند مجهولی این منطقه واقع شده است. (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۳۰) سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است؛ که با سه عامل واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن برکناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل با کشورهای حاشیه این منطقه ارتباط دارد به خصوص سوریه از طریق خط لوله نفت در بندر بانیا، بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه را تأمین می کند و از این راه در معادلات منطقه نقش دارد به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین الملل سوریه را بزرگ ترین کشور کوچک جهان می نامند. (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۵) به منظور درک بهتر نقش سوریه در این منطقه باید به اتحاد استراتژیک سوریه با ایران و نقش نیابتی آن در منطقه تمرکز کرد سوریه به عنوان ایجادکننده ارتباط با حزب الله و به عنوان کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به شمار می رود. (۲۹)

William Sami (۲۰۰۸): سوریه امن ترین موقعیت استراتژیک را در روابط بین اعراب و اسرائیل داراست و این امر باعث تقویت مقاومت حزب الله در برابر رژیم صهیونیستی شده و از سوی دیگر با تمایل بیشتر این کشور به ایران به لحاظ سیاست های منطقه ای جهان عرب، نفوذ ایران در منطقه تقویت شده است که این امر خوشایند عربستان نیست. از طرف دیگر سوریه تنها بازیگر عربی است که در مناسبات منطقه ای و بین المللی میان

کشورهای خاورمیانه و آفریقای عربی، نقش مستقلی را ایفا می‌نماید و در عین حال صاحب دیدگاه خود است. درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه، محور اصلی اهمیت نظامی و استراتژیک این کشور در منطقه است. در حال حاضر نیروهای مسلح سوریه، تنها ارتش کلاسیک عربی است که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد. از این رو مقامات رژیم صهیونیستی، سوریه را به عنوان تهدید استراتژیک به حساب می‌آورند. (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۶)

دیدگاه‌های متفاوت در باره بحران سوریه

در خصوص بررسی تحولات داخلی سوریه دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. عده‌ای از ناظران این ناآرامی‌ها را امتداد جنبش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا جهت رسیدن به دموکراسی می‌دانند (سراج، ۱۳۹۰: ۲۴) و از طرف دیگر، عده‌ای از ناظران بین‌المللی بر این اعتقادند که حوادث سوریه دارای منبعی خارجی است و مشکلات داخلی سوریه عرصه و فرصتی برای بهره‌برداری و رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. عربستان سعودی نیز با توجه به رقابت گسترده منطقه‌ای که با ایران دارد، بیش از هر عامل دیگری به دنبال سقوط دولت بشار اسد بود؛ تا بتواند از این طریق قدرت منطقه‌ای ایران را کاهش دهد (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۲)

مواضع و منافع عربستان در سوریه در خصوص روند سیاست خارجی عربستان در تحولات بیداری اسلامی و به تبع آن بحران داخلی سوریه، رئالیسم تهاجمی جامع‌ترین تبیین‌را ارائه می‌دهد. به دنبال تحولات بیداری اسلامی، امنیت ملی عربستان در دو حوزه داخلی و منطقه‌ای دچار تلاطم شدید شد. عربستان از یک سو با ناآرامی‌ها و اعتراضات داخلی مواجه بود و از سوی دیگر تحولات داخلی کشورهای هم‌پیمان عربستان به نفع این کشور پیش نمی‌رفت، لذا در قبال کشورهای مختلف سیاست دوگانه‌ای را در پیش گرفت؛ به طوری که در قبال تحولات بحرین اقدام به لشکرکشی نظامی در چارچوب نیروهای نظامی شورای همکاری خلیج فارس نمود و در خصوص بحران داخلی سوریه که کشور هم‌پیمان ایران است، اقدام به حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی از

مخالفین دولت بشار اسد نمود تا ضمن تضعیف و فروپاشی دولت اسد هم از قدرت منطقه ای ایران بکاهد و هم از طرف دیگر بتواند تحولات داخلی خود را کنترل کند. بر طبق منطق رئالیسم تهاجمی هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند، که این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است). مشیر زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۰ (از طرف دیگر این کشور برای آنکه بتواند رقیب سنتی خود را در موضع ضعف قرار دهد در رویکردی تهاجمی که از تغییرات ساختاری در نظام سیاسی خاورمیانه به ضرر عربستان ناشی می شد، به عرصه تحولات سوریه که به عنوان کشور هم پیمانان ایران شناخته می شود، به عنوان بازیگر کلیدی تحت عنوان رهبری جهان سنی ورود کرد تا از این طریق ضمن دور ساختن تحولات از منطقه ی خلیج فارس بتواند تحولات سوریه را به سمت مدنظر خود سوق دهد تا با ایجاد تغییر سامان مند در نظام سیاسی این کشور آن را از مدار

ایران خارج کند. واکنش این کشور به بیداری اسلامی در دو طیف متضاد اما هم جهت تفسیر می شود؛ بدین معنا که در خصوص تحولات داخلی کشورش و تحولات بحرین اقدام به استفاده از مشت آهنین در خنثی سازی انقلاب نمود که این مسئله از سیاست حفظ وضع موجود این کشور ناشی می شود، اما در خصوص تحولات سوریه مبادرت به مداخلات شبه مستقیم از طریق حمایت مالی و تسلیحاتی و دیپلماتیک از مخالفین دولت سوریه نموده است که این مسئله از سیاست تغییر وضع موجود در زمین حریف (ایران) ناشی می شود. با وجود اختلافاتی که میان سیاستهای منطقه ای ترکیه و عربستان وجود دارد اما هر دو کشور پس از تشدید نا آرامی ها از مخالفان اسد و کناره گیری او از قدرت حمایت کردند اما به دلیل نگرش متفاوت آنها به رهبری جهان اسلام میان نوعثمان گرایبی ترکی و وهابیسلم سلفی در سوریه تقابل انکار ناپذیری رخ داده است.

دلایل اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی از سوی عربستان سعودی

رویکرد اصلی عربستان سعودی در خصوص تحولات منطقه ای، سیاست حفظ وضع موجود است. اما موج تحولات عربی، محیط پیرامونی عربستان را در محاصره دگرگونی هایی قرارداد که برآیند آن سقوط مصر، متحد کلیدی

محور سازش عربی، چالش در حوزه های حیاتی چون بحرین و یمن، تقابل با موج دموکراسی خواهی و بحران های پراکنده در بعد داخلی بود که تأثیراتی را بر جایگاه عربستان به عنوان بازیگری مهم در منطقه بر جای گذاشت. بنابراین تحولات سوریه فرصت مغتنمی بود تا عربستان برای برون رفت از چالش های موجود در رویکردی عربی - غربی تلاش کند تا تغییر رژیم را در سوریه به پیش برد. بحران سوریه این فرصت را به عربستان داده تا با همراهی کشورهای عربی و غربی، نظم مطلوب خود را ترسیم نماید.

۱: موازنه منطقه ای با ایران

عربستان مشخصاً سوریه را در چارچوب رقابت های منطقه ای با ایران (مهار الگوی نفوذ معنوی ایران) نگاه می کند و در واقع برای همین در مقابل نظام اسد و در دفاع از شورش که علیه این نظام صورت گرفته گام برمی دارد. در واقع کاهش نفوذ ایران در منطقه یا مهار کردن الگوی نفوذ انقلاب اسلامی در دنیای عرب که زمانی در قالب هلال شیعی مطرح گردید و تعادل قدرت در جهان عرب (کرمی، ۱۳۹۲: ۳۴)، هدف اصلی است. عربستان سعودی به عنوان قدرت درجه دوم منطقه ای، در مواجهه با ایران به عنوان قدرت عمده منطقه، در سوریه با جدیت علیه حکومت آن حرکت نمود و قدرت ایران را به چالش می کشد و این استراتژی در هم پوشانی با منافع آمریکا یعنی قدرت شبه هژمون قرار گرفته است). نیا کویی، ۱۳۹۱: ۹)

۲: تقویت محور مقاومت توسط سوریه

همسایگی سوریه با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، به وضوح اهمیت ژئوپلیتیکی و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطق های و بین المللی نمایان می سازد. سیاست های منطقه ای سوریه همواره بر اتحاد منطقه ای به ویژه همسو نمودن مواضع جهان عرب در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی بوده است. سوریه به طور سنتی از گروه های رادیکال فلسطینی مانند حماس حمایت می کند و گفتگو با اسرائیل را رد نموده است، در حالی که عربستان از دیگر گروه رقیب یعنی "فتح" به رهبری محمود عباس که خواهان مذاکرات صلح است

حمایت می کند. لذا سقوط سوریه می توانست علاوه بر کاهش حمایت از گروه های مقاومت در سطح منطقه، نقش عربستان را در مسئله فلسطین برجسته و پررنگ سازد. سعودی ها معتقد بودند در صورت سقوط بشار اسد و روی کار آمدن یک جریان همراه با عربستان در سیاست های منطقه ای، می توان گام جدی در تحقق زمینه های صلح و رسیدن به یک توافق نسبی میان کشورهای عربی و اسرائیل برداشت که در این معادله نقش عربستان سعودی برجسته و اثرگذار خواهد بود.

۳: بسط مرجعیت عربستان و گفتمان سلفی گری

یکی از دلایل عربستان برای مداخله در سوریه و تقویت جبهه مخالفان بشار اسد، ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه مذهبی حاکم بر عربستان است. امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی است و به اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی برمی گردد. در مقطع اخیر، سلفی ها حامل گفتمان اسلام گرایی افراطی هستند که البته نسبت به القاعده ملایم تر محسوب می شوند. در واقع امر، عربستان با استفاده از این فاکتور در تلاش بود تا با نشان دادن تقابل شیعی و سنی و حمایت از اکثریت سنی ضمن مهار مخالفان داخلی و حفظ همبستگی میان آن ها، حمایت خود را از مخالفان دولت سوریه ابراز دارد.

شبهات های راهبردی ترکیه و عربستان در بحران سوریه

ترکیه از تحولات اخیر سوریه به عنوان فرصتی تاریخی برای تأمین منافع راهبردی خویش بهره برداری می کند. سیاست دولت ترکیه در قبال تحولات بسیار محتاطانه بوده است. ترکیه در ماه های اول شروع درگیری ها دو رویکرد متناقض را در پیش گرفت؛ ظاهراً از دولت سوریه حمایت کرده و به آن توصیه می کند که از خشونت علیه مخالفان پرهیز کند، ولی در عمل از مخالفان حمایت (سیاسی، لجستیکی و نظامی) می کرد. مهرابیان، احمدی نوحدانی، قادری حاجت،

۱۴۰۱: ۱۳۶-۱۳۷) به طور کلی اهداف ترکیه در حمایت از مخالفان بشاراسد و تغییر رژیم در سوریه را می‌توان

به شرح زیر تقسیم بندی نمود: (حمیدفر، عباسی، کهریزی، ۱۳۹۸؛ ۱۲۱)

- بر هم زدن موازنه بین ایران، عراق و سوریه از طریق تغییر نظام حکومتی در سوریه و روی کار آمدن دولتی نزدیک و هم راستا

- پر رنگ شدن نقش این کشور در منطقه خاورمیانه و شرق مدیترانه تحت عنوان عثمانی گرایی جدید ترکیه و عربستان دو قدرت منطقه ای هستند که در محور غرب و جریان سازش قرار دارند؛ بنابر این، در بحران سوریه بیشترین شباهت های راهبردی را با یکدیگر داشته اند که در قالب سه محور بررسی شده است.

- حمایت لجستیک ریاض و آنکارا از مخالفان

از آنجاکه عربستان سعودی فاقد قدرت نظامی و امنیتی لازم برای مداخله مستقیم در سوریه است، از ثروت و درآمدهای نفتی خود برای مسلح کردن معارضین مسلح سوری استفاده می نمود. (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۵۸) بر همین اساس برای اولین بار در ماه ژوئن سال ۲۰۱۲ اولین محموله سلاح عربستان سعودی در مرز ترکیه با سوریه به دست مخالفان سوری رسید. حمایت عربستان از گروههای سوری تا پیش از سال ۲۰۱۳ معمولاً به صورت مخفیانه صورت می گرفت. اما در سال ۲۰۱۳ عربستان سعودی پشتیبانی خود را از گروه ارتش آزاد سوریه به طور رسمی اعلام کرد. پس از تضعیف ارتش آزاد و موفقیت گروه های رادیکال، عربستان کمک های بیشتری را به سوی این گروهها (جبهه النصره و داعش) روانه کرد. (۴) ۲۰۱۵، Philips) از طرف دیگر مناقشات فرقه ای در سوریه توسط عربستان سعودی تقویت می شد و از هر گروهی که مخالف بشار اسد بود حمایتهای مالی عظیمی صورت می گرفت (۱۴ - ۲۰۱۳ Reese):

در مقابل از اوت ۲۰۱۱ ستاد فرماندهی نظامی ترکیه اقدام به عضوگیری هزاران شورشی جنگجو برای اعزام آنها به سوریه کرده است. ناتو و ترکیه هزاران داوطلب را در کشورهای خاورمیانه برای مبارزه در کنار شورشیان سوری

به خدمت گرفته اند. گفته می شود ارتش آزادیبخش سوریه به این داوطلبان اسکان داده و آنها را برای ورود به

خاک سوریه و جنگ با نیروهای دولتی آموزش می دهد. ترکیه با همکاری عربستان سعودی و قطر یک

پایگاه محرمانه ایجاد کرده است که از آن کمک های ارتباطی و نظامی را به شورشیان سوری ارائه میدهد.

چاساداو سکی، ۱۳۹۱: (۲۶) ترکیه نقش اصلی را در محاصره سوریه داشته است. از ابتدا ارتش به اصطلاح آزاد

سوریه پاسگاه ها و سنگرهای خود را در نزدیک مرزهای ترکیه و سوریه در کنار استان هاتای (اسکندرون)

مستقر کرد. وقتی سربازان سوری خود را در کنار مرز ترکیه مستقر کردند هواپیمای نظامی ناتو و آمریکا حریم

هوایی سوریه را نقض می کردند این هواپیما از طریق پایگاه اینجریلینک ترکیه وارد سوریه شد. (التیامی نیا

، ۱۳۹۲: ۷۵) پس از تصرف شهرهای بزرگ عراق همچون موصل توسط داعش، نقش ترکیه در شکل گیری و

تجهیز این گروه تکفیری دنیا را شگفت زده کرد. در بحران سوریه، ترکیه با ارسال سلاح و فراهم کردن امکانات

آموزشی داعش در خاک خود نقش مهمی در شکل گیری و تقویت این گروه داشته است. ترکیه همچنین اجازه

حرکت آزادانه اعضای داعش را در طول مرزهای خود با سوریه داده بود و با خرید نفت از داعش کمک فراوانی به

این گروه می کرد. از طرف دیگر، حدود ۱۰۰ میلیون دلار از درآمدهای داعش نزد بانک های ترکیه سپرده

(Hinnebusch، ۲۰۱۵: ۱۸). است شده گذاری

-شرکت در اتحاد با غرب

با آغاز بحران در سوریه، ایالات متحده و عربستان سعودی تصمیم گرفتند با حمایت از مخالفان بشار اسد، ساقط

شدن رژیم سیاسی سوریه را تسهیل کنند و به این ترتیب، با از بین بردن حکومت علوی نزدیک به ایران و روی

کار آمدن حکومت سنی نزدیک به عربستان سعودی، حلقه های ارتباطی میان ایران و حزب الله قطع شود. به

همین دلیل، آمریکا و رژیم صهیونیستی به همراه عربستان سعودی، کمک های همه جانبه خود را به مخالفان

اسد آغاز کردند. رژیم صهیونیستی و آمریکا برای مبارزه با محور مقاومت نیازمند هم پیمانانی در منطقه هستند تا

بتوانند صدماتی جدی به بدنه آن وارد کنند. در این میان، عربستان سعودی به خوبی در راستای تحقق اهداف آنها عمل کرده است. به دلیل آنکه سیاست تضعیف حزب الله لبنان و تضعیف روابط ایران با سوریه از جمله خواسته های اصلی مقامات رژیم صهیونیستی و آمریکا است بدین جهت تل آویو و واشنگتن از این اقدام دولت سعودی حمایت کرده اند و برخی امکانات خود را در اختیار آن کشور قرار داده اند. (کرمی، ۱۳۹۰: ۹۴) سوریه در حال حاضر گرفتار یک توطئه گروهی از جانب آمریکا، غرب، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است. در این میان عربستان سعودی و ترکیه نیز نقش کاتالیزور را بازی میکنند تا در مواضع منطقه ای به بحران سوریه شدت ببخشند. هدف عربستان سعودی محدود کردن قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه است که با اهداف رژیم صهیونیستی و غرب همسویی دارد. (گیوه چی، ۱۳۹۱: ۴۴) به عبارتی، سیاست خارجی آن کشور در چهارچوب هم پیمانی و همسویی با غرب جای می گیرد. (یزدانی و شیخون، ۱۳۹۲: ۵۴)

ترکیه به عنوان پلی بین شرق و غرب، یک کشور استراتژیک برای آمریکا محسوب می شود، که امکان برقراری ارتباط با خاورمیانه را برای این کشور فراهم می کند. ترکیه یکی از مؤلفه های امنیتی مهم برای ناتو به حساب می آید. ترکیه با استقرار سامانه دفاع موشکی در خاک خود موافقت کرده است. این کشور در ابتدا به دلیل مخالفت های ایران با استقرار این سامانه در کشور خود مخالفت می کرد، اما پس از حمایت ایران از بشار اسد در سوریه، آنکارا با این امر موافقت کرد (۳) ۲۰۱۲: Hadley, & Albright (ترکیه همچنان به صورت یک تکه مهم از پازل امنیتی برای غرب محسوب می شود. بدین جهت تعهدات امنیتی نسبت به غرب و ایالات متحده دارد (۵). ۲۰۱۵: Briecck) آنکارا در چهارچوب اجرای ستون دوم سیاست خارجی آمریکا برای ایجاد تحولات ساختاری در کشورهای منطقه از جمله سوریه سعی در نزدیکی به مواضع آمریکا و کشورهای همسو داشته است. ورود ترکیه به مناقشه سوریه و همراهی با مخالفان بشار اسد باعث شد تا مخالفان از حمایت ترکیه به عنوان کشوری با دموکراسی واقعی در منطقه تحلیل کنند. (شریفی و دارابی منش، ۱۳۹۲: ۱۴۲) نحوه برخورد ترکیه

باجران سوریه بیش از آنکه از انگیزه تشویق دموکراسی به منزله قدرت نرم ترکیه ناشی شده باشد، برخاسته از همراهی راهبردی ترکیه با غرب به ویژه آمریکا است. حمایت ترکیه از ائتلاف ضد داعش، مشروط به برکناری رژیم سوریه بود. ترکیه خواستار ایجاد یک منطقه حائل پرواز ممنوع در داخل سوریه برای حفاظت از پناهندگان سوری بود. در حالی که غرب نگران افزایش قدرتداعش پس از سقوط رژیم اسد است اما ترکیه کماکان معتقد بود که پس از اسد یک دولت سنی که مواضع دوستانه ای دارد بر سر کار خواهد آمد- (۱۹: ۱۸، ۲۰۱۵).

Hinnebusch

تفاوت‌های راهبردی ترکیه و عربستان در بحران سوریه

ظاهراً هرچه بحران سوریه به پایان خود نزدیک تر می شود راهبرد ترکیه و عربستان بیشتر از یکدیگر فاصله می گیرد. تفاوت تاکتیکی ریاض - آنکارا در قالب ۶ محور زیر بررسی شده است. که در قالب جدول زیر به تصویر کشیده شده است. در ادامه هر کدام از این موارد به تفصیل بررسی شده است.

تفاوت‌های راهبردی (تاکتیکی) ترکیه و عربستان در بحران سوریه محورهای اختلاف نظر ترکیه

محورهای اختلاف نظر	ترکیه	عربستان
فرآیند انتقالی	عدم مخالفت با حضور اسد در فرآیند انتقالی	مخالفت شدید با حضور اسد در فرآیند انتقالی
مسأله کردها	جلوگیری از شکل گیری اقلیم کردی	عدم حساسیت به این موضوع
زمان خاتمه بحران	خاتمه سریع تر بحران	تطویل بحران
نظم جایگزین	ترجیحاً حکومت سکولار یا سنی اعتدالی	حکومت مبتنی بر اندیشه سلفی گری
نقش روسیه	حساسیت ژئوپلیتیکی به حضور روسیه	فقدان حساسیت به حضور روسیه
نقش ایران	قائل شدن نقش حداقلی برای ایران	خواهان حذف کامل نقش ایران در سوریه

۱- تقابل در مورد جایگاه اسد در فرآیند انتقالی

دولت ترکیه در اوایل نا آرامی های داخلی سوریه بر حل دموکراتیک مسائل تأکید داشت. طی ملاقات دو جانبه داوود اوغلو، وزیر امور خارجه وقت ترکیه و مقامات سوری، ترکیه تلاش کرد بر گزینه اصلاحات در سوریه تأکید کند. دولت ترکیه طی ماههای ژوئیه و اوت ۲۰۱۱ تلاش کرد بشار اسد برنامه اصلاحات خود را اعلام و بر موضوعات مورد نظر ترکیه همچون لغو قانون حکومت اضطراری، اجازه به مخالفان برای تشکیل احزاب سیاسی و راه اندازی گفت و گوی ملی توجه کند. اما دولت ترکیه بعد از مدتی کوتاه و همسو با سیاستهای غرب گرایانه و منفعت محور خود به این نتیجه رسید که اراده ای جدی برای انجام اصلاحات در سوریه وجود ندارد یا بشار نفوذ لازم در ساختار سیاسی سوریه برای پیشبرد و محقق ساختن اهداف مزبور را ندارد. (Phillips, 2012, 5). پاسخ ترکیه نسبت به بحران سوریه در حقیقت متأثر از رویکرد این کشور نسبت به مسئله کردها است (۱۳۸) (Tziarras, 2012). ترکیه بیش از هر کشور دیگری در منطقه جمعیت کرد دارد و رقبای آن می توانند از برگ برنده کردها برای تضعیف یا بی ثباتی ترکیه استفاده کنند. ترکیب پیچیده قومی و مذهبی سوریه و احتمال تجزیه آن، رهبران ترکیه را در مورد شکل گیری وضعیتی مشابه کردستان عراق (یعنی تشکیل یک اقلیم خودمختار) در سوریه نگران کرده است. این موضوع سبب تحریک بیشتر کردهای ترکیه می شود و مشکلات امنیتی ترکیه را دوچندان می کند (Walker, 2012, 1-2). (ایجاد منطقه مستقل در شمال سوریه بر عمق استراتژیک کردها از غرب سوریه تا شرق عراق می افزاید و موازنه قدرت میان دولت ترکیه و کردها را بر هم می زند؛ بنابراین، ترکیه هر گونه خودمختاری و فدرالیسم کردی در سوریه را به شدت نفی می کند به همین جهت علیه کردها در شمال سوریه دست به اقدام نظامی زده است. اما عربستان سعودی هرچند موضع شفاف و روشنی در خصوص فدرالیسم کردی اتخاذ نکرده است. اما به طور غیر مستقیم می توان استنتاج کرد عربستان سعودی در مورد تشکیل اقلیم کردنشین یا دولت خودمختار در سوریه بر خلاف ترکیه از حساسیت بالایی برخوردار نیست.

عربستان سعودی در بحران سوریه در زمینه فراهم آوردن صلح در این کشور نقش تخریبی ایفا می کند و سیاست مستقل و خاصی ندارد .

۲. تقابل در مورد نظم جایگزین در سوریه

ماهیت رویکرد عربستان سعودی در قبال درگیری های داخلی در سوریه بیشتر تشدید شکاف شیعه- سنی و کاهش قدرت و نفوذ ایران در منطقه است. جای تعجب نیست که در سال ۲۰۱۵ پادشاه عربستان سعودی در اشاره به تهدیدات ایران بیان کرد که تلاش ایران برای افزایش نفوذ و قدرت خود در منطقه باعث بی ثباتی و بهخطر افتادن امنیت منطقه می شود، که همین امر باعث افزایش درگیری های فرقه ای و ایجاد یک محیط مناسب برای افراط گرایی و تروریسم است؛ بنابر این، با شناخت هرچه بیشتر سیاست های عربستان سعودی در قبال سوریه و بهار عربی می توان به این نتیجه رسید که عربستان سعودی بیشتر به دنبال ثبات و بقای رژیم آل سعود است (۳۱): (Costa, ۲۰۱۵) از اصلی ترین دلایل عربستان سعودی برای مداخله در سوریه و تقویت جبهه مخالفان بشار اسد، ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه است. امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی است و به اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی بر می گردد. (۱) ۲۰۱۲: Rasheed, (ترکیه تلاش کرد با بازبینی سیاست خارجی خود به عنوان قهرمان دموکراتیک شناخته شود.) از غندی و صولت ،: ۱۳۹۱ (۵۰ دیدگاه ترکیه در مورد بیداری اسلامی بر اساس این ایده است که کشورهای منطقه به سوی دموکراسی حرکت خواهند کرد و این امر اجتناب ناپذیر است. در راستای این ایده، ترکیه اقدام به پشتیبانی و حمایت از خواسته های مردم کشورهای عرب کرده و تأکید می کند که این خواسته ها، ارزش هایی مانند دموکراسی، آزادی و حقوق بشرند که

ترکیه به آنها اعتقاد دارد.) مسعودنیا و نجفی ،: ۱۳۹۰ (۱۵۰

۳. تقابل در اتخاذ رویکرد در قبال ایران

سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران به شدت تحت تأثیر مؤلفه هویت، انگاره ها، هنجارها و قواعد ناشی از آن بوده است. این کشور، ایران را «دیگری» خود دانسته و دولتی می داند که در همه عرصه های دینی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نه تنها رقیبی مهم بلکه چالشگری جدی است. از این رو تلاش میکند تا مانع بهره وری بهینه از منابع و امکانات منطقه ای و بین المللی و به فعلیت رسانیدن ظرفیت های ملی، انقلابی و ارزشی ایران شود. (منصوری مقدم، ۱۳۹۲: ۹۵) رویارویی عربستان سعودی با ایران در طول سه دهه گذشته، به رغم وقفه های کوتاه، از واقعیت های پایدار در منطقه بوده است «گراهام فولر» در این زمینه می نویسد: «ریاض امروزه جویای به تصویر کشیدن ایران به عنوان مرکز تهدید نوینی است که علیه پادشاهی عربی وجود دارد. نه به این دلیل که فارس است بلکه بالاتر از آن به دلیل آنکه شیعه است.» (به نقل از احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۷) عربستان سعودی معتقد است که در سال ۲۰۱۳ ایران خود را نه تنها به عنوان رهبر شیعیان بلکه به عنوان رهبر انقلابیون مسلمان به تصویر کشیده است (Costa، ۲۰۱۵: ۸). افزایش نفوذ ایران در منطقه علاوه بر کاهش قدرت عربستان در منطقه به تضعیف پایه های مشروعیت آل سعود به عنوان رهبر مسلمانان خواهد شد. به جز انقلاب در لیبی و سوریه در اکثر قیام های عربی، عربستان سعودی مواضع خود را در خطر می دید و به شدت با این قیام ها مخالفت می کرد. مناقشه و درگیری دو بلوک ایران و عربستان به سوریه رسیده است (۱۰۷) ۲۰۱۵: Kuru). عربستان سعودی به طور مشخص سوریه را از درجه رقابت های منطقه ای با ایران، مهار الگوی نفوذ معنوی ایران نگاه می کند و در واقع برای مهار کردن الگوی نفوذ انقلاب اسلامی در دنیای عرب که زمانی در قالب هلال شیعی مطرح شده بود، در مقابل نظام اسد گام بر می دارد. عربستان سعودی دامنه تهدیدات بر ضد جایگاه منطقه ای خود را بعد از بیداری اسلامی گسترده تر می بیند و نزدیکی گروههای مقاومت و سوریه به ایران را به منزله برهم خوردن تعادل منطقه ای و به حاشیه رفتن سیاست های سعودی می داند؛ بنابراین، عربستان در هماهنگی با رویکرد غربی - عربی تلاش دارد تا موقعیت ایران در سوریه را تضعیف کند و برای

محدودسازی قدرت ایران در خاورمیانه از گروههای معترض در سوریه حمایت می کند. به عقیده ریاض، سقوط نظام اسد می تواند نقش سوریه در حمایت از گروههای مقاومت در سطح منطقه را کاهش دهد و موازنه منطقه ای برهم خورده پس از تحولات جهان عرب را نیز متعادل کند. با برکناری دولت شیعه در سوریه و روی کار آمدن یک حکومت سنی، عربستان می تواند توازن بین شیعه و سنی را در منطقه به نفع خود تغییر دهد (۵): ۲۰۱۲ (Miller). در همه جای جهان عرب، ایران و عربستان سعودی در مقابل یکدیگر قرار داشته اند و هر جا که قدرت ایران افزایش یافته است عربستان سعودی احساس می کند که قدرتش محدود شده است و بالعکس. سوریه نیز از این امر مستثنی نیست. به طوری که این بحران در کنار سایر مسائل حاشیه ای باعث قطع روابط ایران و عربستان شده است. ترکیه نیز همچون عربستان سعودی به دنبال بهبود جایگاه خود در منطقه است. یکی از اهداف استراتژیک ترکیه این است که در تأسیس نظام امنیتی منطقه ای نقش رهبری را بر عهده بگیرد. بدین منظور به دنبال ایجاد یک بلوک جایگزین در مقابل ایران و عربستان است. با شروع بهار عربی، ترکیه در صدد بود تا از فرصت پیش آمده برای افزایش نفوذ خود در منطقه استفاده کند. اما با تمام تدابیر

صورت گرفته ترکیه قادر به ایجاد یک بلوک جایگزین برای بلوک های ایران و عربستان نشد. بلوک ایران به دلیل وجود کشورهای ایران، عراق و سوریه به عنوان یک تهدید برای ترکیه به حساب می آید. (۱۰۸) ۲۰۱۵: Kuru, ۴. تفاوت رویکرد در قبال روسیه

روسیه یکی از مهم ترین طرفداران اسد به شمار می آید. روسیه همچنین دارای یک پایگاه نظامی در سوریه است و روابط اقتصادی و نظامی فراوانی با این کشور دارد. مهمتر اینکه، روسیه برخی از متحدان خود را در منطقه از دست داده است و تمایلی به از دست دادن سوریه به عنوان یک متحد منطقه ای ندارد. علاوه بر این، پوتین از جایگزین شدن یک حکومت سنی در سوریه به جای اسد به شدت نگران است. زیرا این امر باعث افزایش نفوذ عربستان و ترکیه در بین مسلمانان قفقاز شمالی و چین خواهد شد. (۳) ۲۰۱۳: Miller, از نگاه روسها تحولات

سوریه می‌تواند تعادل قوا و توازن قوا در خاورمیانه را به هم بزند و به هم خوردن این توازن قوا به زیان روسیه است چراکه اگر این توازن به هم بخورد ممکن است ایران را در مسائل لبنان و فلسطین و عراق محدود کند و در واقع ایران خود آماج فشارهای بعدی قرار بگیرد و نهایتاً این فشارها در موضوعات مربوط به دریای خزر، قفقاز جنوبی، قفقاز شمال و آسیای مرکزی سرریز بشود و نقش ترکیه و عربستان سعودی در این فضا، یعنی در فضای خاورمیانه گسترش پیدا کند و طبیعتاً این افزایش حاطه کرده‌اند و روابطی نیز با پ.ک.ک دارند (۱۹۸۵: ۲۰۱۵: Kuru). ایران و ترکیه نگرانی‌هایی عمیقی نسبت به نیت یکدیگر در منطقه دارند. ایران ترکیه را متهم می‌کند که با همکاری کشورهای غربی در صدد است حکومت اسد را ساقط و از تحولات منطقه سو استفاده کند تا رؤیای نوع‌ثمنی‌گری خود را محقق سازد. آنکارا نیز نگران است که تهران تحولات را در جهت منافع خود و برخلاف منافع ترکیه و غرب پیش ببرد. رقابت ترکیه با ایران که با خروج آمریکایی‌ها از عراق شروع شده بود در بحران سوریه شدت بیشتری یافت. (حاجی مینه، ۱۳۹۳: ۶۷) علی‌رغم اختلافات موجود مقامات ترکیه معتقدند که «اگرچه بحران سوریه موجب فروپاشی کل روابط ایران و ترکیه نشده است، اما نشانه‌ها و انعکاس‌های منفی آن در روابط ترکیه و ایران دیده می‌شود. اما با وجود تفاوت دیدگاه در بحران سوریه، گفت‌وگو و مذاکره می‌تواند ادامه داشته باشد و طبیعتاً روابط ایران و ترکیه در حوزه‌های سیاسی خارج از موضوع سوریه، فرهنگی و اقتصادی ادامه دارد. ترکیه در روابط سیاسی خود با ایران با حسن نظر عمل می‌کند.» همچنان، عمق روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور بر این موضوع بحران سوریه سایه می‌اندازد. بالاخره، این بحران سپری خواهد شد و چیزی که می‌ماند، روابط دو کشور است که آنها آینده روابط خود را از دست نخواهند داد. (احمدی و قربانی، ۱۳۹۳: ۳۷) تعداد شرکت‌های تازه تأسیس ایرانی در ترکیه افزایش یافته است که یکی از دلایل افزایش روابط ایران و ترکیه است. همچنین دو حامی اصلی بشار اسد یعنی ایران و روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده گاز به ترکیه

اند (۱۰۸-۱۰۹). ۲۰۱۵: (Kuru, بنابر این، باوجود این تنش‌ها و جنگ نیابتی بین ایران و ترکیه بر سر سوریه، روابط آنکارا - تهران همچنان ادامه دارد.

۵. برساختگی منافع عربستان و ترکیه در بحران سوریه

تئوری سازه‌انگاری معتقد است که منافع برساخته می‌شود کنشگران بر اساس هویتی که برای خود تعریف می‌کنند با یکدیگر به تعامل می‌پردازند و منافی را برای خود می‌سازند؛ بنابراین، منافع کنشگران مانند هویت آنها از قبل تعیین شده نیست؛ بلکه در فرآیند تعامل و تقابل واحدها شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، در اثر تعامل یا تقابل مذکور است که هویت خود و دیگری به عنوان دوست یا دشمن شکل می‌گیرد. عربستان سعودی و ترکیه هویت خود را به عنوان دو قدرت منطقه‌ای می‌شناسند که توانایی دخالت در کشورهای بحرانی منطقه را دارند.

این تعریف هویت برای عربستان بیشتر ابعاد ایدئولوژیک و برای ترکیه بیشتر ابعاد ژئوپلیتیک دارد. البته رگه‌های از ایدئولوژی در هویت ترکیه و رگه‌های از ژئوپلیتیک نیز در هویت عربستان یافت می‌شود. عربستان سعودی در تعریف هویتی، خود را قدرت منطقه‌ای و رهبر جهان اسلام می‌داند و تلاش می‌کند تا تأثیرگذاری خود را در گستره جهان اسلام افزایش دهد. حکام عربستان سعودی از یک طرف لازمه حضور مقتدرانه خویش در منطقه را در اتحادی عمیق با آمریکا می‌دانند و از طرف دیگر خود را رهبر جهان اهل تسنن معرفی می‌نمایند که وظیفه دارد در مقابل ایران شیعی مقاومت و از نفوذ آن جلوگیری کند. بر اساس تعریف مذکور عربستان سعودی منافی را برای خود تعریف کرده و دنبال می‌کند که جوهره اصلی آن گسترش نفوذ ریاض و جلوگیری از نفوذ ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی ایران در منطقه و ایجاد حکومتی دست‌نشانده در سوریه است.

ترکیه بر اساس تعریفی که از هویتش دارد، خود را یک قدرت منطقه‌ای تلقی می‌کند که موقعیتی ژئواستراتژیک دارد؛ بنابر این، منافعی را بر این اساس تعریف می‌کند. در این میان بحران سوریه می‌تواند نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه را گسترش داده و بالطبع این کشور را تبدیل به قدرت عمده منطقه‌ای کند. در این راستا ترکیه برای

دسترسی به خاورمیانه و افزایش نفوذ در این منطقه، منافع خود را در وجود دولتی دست‌نشانده در سوریه می‌بیند. در نهایت ترکیه گسترش نفوذ در خاورمیانه و اعاده گذشته تاریخی خود را دنبال می‌کند. در این میان جایگاهی که ایران در سوریه دارد هویت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک عربستان و ترکیه را به چالش می‌کشد. بدین جهت محدود کردن نفوذ ایران، فصل مشترک انگیزه‌های (منافع) بازیگران فوق در بحران سوریه است. بر اساس دیدگاه سازه‌انگاران منافع امری از پیش تعیین شده نیستند و ممکن است در جریان تعاملات و تقابلات پیش روی تغییر یابند. در جریان بحران سوریه منافع دو کشور ترکیه و عربستان به تدریج از یکدیگر فاصله گرفته و تفاوت‌های آنها نیز برجسته شده است. بنابراین در کلیت امر درباره ترکیه باید گفت که ترکیه اگرچه در ابتدا رویکرد براندازانه را اتخاذ می‌کرد؛ اما به خاطر نگرانی از امنیت و ثبات سیاسی خود ناشی از تحولات منطقه کردستان نشین سوریه، هم‌اکنون سیاست همکاری و همراهی با ایران و روسیه را در پیش گرفته و برای حل بحران سوریه و آینده این کشور، راه حل دیپلماتیک را دنبال می‌کند). درج، مسعود نیا، ۱۳۹۸: ۱۰۵)

۶. ماهیت رقابت عربستان-ترکیه در سوریه و پیامدهای آن برای ایران

ترکیه و آنکارا از ترکیبی از عملیات نظامی مستقیم در شمال سوریه، حمایت از بخش‌هایی از اپوزیسیون، و ابزارهای نفوذ نرم (پناهجویان، کمک اقتصادی، نفوذ فرهنگی در جوامع سنی) استفاده کرده است؛ این اقدامات به بازتعریف سیاست خارجی ترکیه و تقویت ظرفیت‌های نظامی-سیاسی آن انجامیده است (Siccardi/Carnegie ۲۰۲۱، ۷۶-۹۶) همچنین عربستان نیز از کانال‌های مالی و سیاسی برای حمایت از بازیگران سنی مخالف و برای کاهش نفوذ ایران در «شامات» بهره برده است؛ این رویکرد بخشی از رقابت هم‌مونی منطقه‌ای با تهران است (Gause ۲۰۱۴، ص. ۱۸-۱۹) Chatham House ۲۰۱۳، که می‌تواند برای ایران پیامدهای فراوانی داشته باشد از جمله اینکه اولاً، اختلال در مسیرهای لجستیکی و «عمق استراتژیک» حضور رقبا در میدان سوریه و تغییر توازن میدانی می‌تواند دسترسی زمینی تهران به لبنان و مسیرهای تدارکاتی‌اش را

محدود سازد؛ مطالعات و تحلیل‌های اخیر نشان می‌دهد که هرگونه تغییر ساختاری در سوریه می‌تواند «پل زمینی» ایران را تضعیف کند (Stimson, ۲۰۲۵, ۲۸۷-۲۸۱) ثانیاً؛ فشار سیاسی و هزینه‌های دیپلماتیک تلاش‌های عربستان و اقدامات دیپلماتیک ترکیه، ایران را مجبور به صرف سرمایه‌ی سیاسی و اقتصادی بیشتر برای حفظ متحدان و تثبیت موقعیت خود کرده است (Chatham House, ۲۰۱۳, ۸۶-۹۰) بازآرایی ائتلاف‌ها و توازن‌های منطقه‌ای رقابت عربستان- ترکیه زمین‌هی بازتعریف ائتلاف‌ها را فراهم آورده است؛ تهران برای مقابله با فشارها به تقویت روابط تاکتیکی با بازیگران فرامنطقه‌ای (به‌ویژه روسیه) روی آورده است (Carnegie, ۲۰۲۱, ۹۵-۱۰۶) ثالثاً؛ افزایش هزینه‌های نظامی، اطلاعاتی و نیابتی در پی تشدید رقابت، ایران مجبور شده شبکه‌های نیابتی و عملیات غیرمتمارن خود را توسعه دهد که بار مالی و امنیتی بالاتری به همراه داشته است (Gause, ۲۰۱۴, ۱۱۹-۱۲۵) و در نهایت نیز پیامدهای اقتصادی و انسانی طولانی شدن بحران و رقابت منطقه‌ای هزینه‌های بلندمدت اقتصادی و انسانی را بر تهران تحمیل کرده و توان ایران را برای تمرکز بر اولویت‌های داخلی کاهش داده است (Chatham House, ۲۰۱۳, ۴۷-۷۲)

نتیجه گیری

علیرغم همکاری‌های پنهانی که میان عربستان و ترکیه برضد بشار اسد از آغاز بحران در سوریه وجود داشته اما رقابت‌های این دو کشور برسر منافع حداکثری اشان در سوریه و ادعای در رهبری جهان اسلام بر دامنه تقابل آنها افزوده است. بخش عمده ای از سیاست‌های عربستان سعودی در قبال سوریه دیکته شده توسط آمریکا و غرب است. عربستان سعودی با اقدامات و سیاستهای مختلف در سوریه سعی داشت تا محور مقاومت را تضعیف کرده و با تضعیف آن ضمن حذف نقش منطقه ای سوریه، موازنه منطقه ای را با ایران متعادل کند. از سویی دیگر مهمترین دلیل نقش آفرینی ترکیه در سوریه، عدم ایفای نقش موثر در منطقه و خلاص شدن از یک تنگنای شدید جغرافیایی در مرزهای جنوبی است. یکی از مهمترین دلایل مداخلات ترکیه در سوریه مقابله به کردها در

سوریه می باشد. بنابراین، مقابله با کردهای سوریه چراغ راهنمای سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه است. تقابل ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک دمشق - ریاض حوزه های نفوذ مشترک را عرصه ای برای رقابت دو کشور کرده است. در کلیت امر می توان گفت عربستان در مرحله اول سعی در مدیریت بحران سوریه داشت که در مرحله بعد این مدیریت تبدیل به مقابله با حایت از گروه های معارض حکومت سوریه گردید. در مرحله بعد حمایت از گروه های افراطی را کاهش و سعی در حذف بشار اسد با دیپلاسی فعال گرفت که در مرحله کنونی با رضایت به آقای اسد سعی در حذف ایران از معادلات سوریه دارد. برخلاف ترکیه عربستان سعودی با مشکلاتی نظیر سیل مهاجران و آوارگان سوری و تهدیدات امنیتی آن و رشد افراط گرایی مذهبی در کنار خود مواجه نمی باشد. همچنین عربستان مانند ترکیه دارای تنوع قومیتی مانند حضور کردها در کشور خود نیست. بنابراین عربستان سعودی فاقد چنین حساسیت جغرافیایی نسبت به بحران است. از سوی دیگر ترکیه به دنبال نفع اقتصادی و تجاری خود در مخصصات داخلی سوریه بوده است. به عبارتی دیگر ترکیه در جستجوی منافع تجاری، خود را مدافع دموکراسی می نامد در حالی که با تجهیز مالی و تسلیحاتی گروه های مسلح به عینه سبب کشتار وسیع در سوریه گردیده است. در همین راستا یکی از مهم ترین فرصت های پیش روی آنکارا، مطرح شدن جدی الگوی دموکراسی ترکیه در سوریه است. در بحران سوریه، رویکرد عربستان، سلبی و رویکرد ترکیه ایجابی است. عربستان برنامه مشخص توسعه ای را برای سوریه ندارد و تنها به عدم بسط نفوذ و حضور ایران در سوریه فکر می کند. در حالی که ترکیه در اندیشه مرزهای سیاسی خود با سوریه است. هرگونه قلمرو خواهی کردها در سوریه خط قرمز این کشور است. مضاف بر این حتی یک حاکمیت متمرکز قدرتمند عربی در این کشور می تواند چالشهای امنیتی آینده ترکیه باشد. بنابراین در حالیکه مدل امنیتی و سیاسی ترکها برای آینده سوریه مشخص است، عربستان تنها با ایجاد بحران و تعمیق ایدئولوژی مذهبی حاکمیت عربی می تواند برگ برنده ای را در آینده سوریه و جلوگیری از نفوذ حداکثری ایران و ترکیه را به خود اختصاص دهد بنابراین در نتیجه گیری نهایی

می توان بیان داشت که رقابت عربستان و ترکیه در سوریه، هم تهدیدیهایی ساختاری برای عمق استراتژیک ایران ایجاد کرده و هم تهران را وادار به تطبیق ترکیبی از ابزارهای قدرت (نظامی، دیپلماتیک و نرم) کرده است. سیاست‌گذاری‌های آینده باید بر: (۱) حفظ و تنوع‌بخشی مسیرهای تدارکاتی، (۲) تقویت ائتلاف‌های کارا در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، و (۳) کاهش هزینه‌های داخلی از طریق مدیریت موثرتر منابع تمرکز کنند

فهرست منابع:

کتاب‌ها

مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۰. تحول در نظریه های روابط بین الملل. تهران: سمت، مطالعات استراتژیک

خاورمیانه

واحدی، الیاس، ۱۳۸۷. ترکیه حال و آینده، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار

معاصر.

مقالات

حمیدفر، حمیدرضا، عباسی، مجید، کهریزی، فاطمه، بحران سوریه و تقابل دو راهبرد متفاوت ایران و ترکیه در مدیریت بحران در منطقه غرب آسیا، دوفصلنامه سیاست و روابط بین الملل، سال سوم، شماره ۱ پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۱۳ - ۱۳۷

درج، حمید، مسعود نیا، حسین، تجزیه و تحلیل رویکرد و منافع ژئوپلیتیکی سه کشور ایران، ترکیه و عربستان در قبال تحولات سوریه، مجله پژوهش های جغرافیای سیاسی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸، پیاپی ۱۰

رجبی، سهیل رجبی، ۱۳۹۱. "واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه ای و بین

المللی". فصلنامه ۲۵ خرداد، دوره سوم سال دهم شماره ۳۴ زمستان ۱۳۹۱

سراج، رضا، ۱۳۹۰. نگاه راهبردی به پشت پرده بی ثبات سازی سوریه، نوشته شده: در پایگاه

خبری جوان دیلی

کرمی، کامران، ۱۳۹۲. «بازیگری عربستان در تحولات سوریه: تغییر نظم جدید منطقه ای»،

مرکز بین المللی مطالعات صلح در دفتر تهران

گیوه چی، ناصر، ۱۳۹۰. رژیم صهیونیستی در سوریه، فصلنامه پیسم انقلاب، شماره ۵۷، فروردین

مهرابیان، زهرا سادات، احمدی نوحدانی، سیروس، قادری حاجت، مصطفی، ۱۴۰۱، بررسی علایق و نگرانی

های ژئوپلیتیکی ترکیه، در سوریه. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۵) ۲ صص: ۱۶۰-۱۳
یزدانی، عنایت اله، طحانیان زاده، عاطفه، فلاحی، احسان، ۱۳۹۶، نشریه: مطالعات سیاسی جهان اسلام،
دوره ۶: | شماره ۳: (پیاپی ۲۳) صفحات ۱۹۲-۱۶۹: